

The Role of Religiosity in Rationality from the Perspective of Allameh Tabataba'i, with an Emphasis on Tafsir al-Mizan

 **Seyyed Mehdi Rosta** / PhD Student in Philosophy of Education, Kerman, Shahid Bahonar University
mehdirosta@ens.uk.ac.ir

Seyyed Hamidreza Alavi / Professor, Department of Educational Sciences, Kerman, Shahid Bahonar University
hralavi@uk.ac.ir

Morad Yari Dehnavi / Associate Professor, Department of Educational Sciences, Kerman, Shahid Bahonar University
myaridehnavi@uk.ac.ir

Received: 2025/01/02 - Accepted: 2026/09/16

Abstract

Over the past few decades, researchers have extensively sought to delineate the components of wisdom. While religiosity is regarded as a component of wisdom, previous studies have not sufficiently addressed its role. Consequently, this research seeks to provide a comprehensive analysis of the relationship between religiosity and wisdom. The statistical population of this research comprises all works of Allameh Tabataba'i, and the sample is limited to Tafsir al-Mizan. A descriptive-analytical method was utilized to examine the role of effective religiosity components in wisdom. Initially, the term 'wisdom' and its strong semantic associates were retrieved from Tafsir al-Mizan utilizing the Noor Comprehensive Tafsir Software (v. 3). Next, a thorough analysis of the retrieved paragraphs was conducted, and relevant excerpts were documented. Upon data compilation, these excerpts underwent a thorough re-analysis, aimed at describing and analyzing the role of religiosity in wisdom as articulated by Allameh Tabataba'i. The findings indicate that the components of religiosity contributing to wisdom include: knowledge-based religiosity, pragmatic religiosity, the acquisition of divine and human virtues, divine wisdom, servitude to Allah, a mystical relationship with the Divine, belief in and adherence to the prophethood of divine messengers, and the cultivation of life in both this world and the hereafter. The results demonstrate that religiosity fosters rational development by transforming an individual's cognitive, affective, and spiritual dimensions - a process that equates to the growth of wisdom. Furthermore, not all forms of religiosity correlate with wisdom; only a properly cultivated religiosity can contribute to its development.

Keywords: Religiosity, Wisdom, Reason, Intellect, Cognition, Allameh Tabataba'i, Tafsir al-Mizan.



نوع مقاله: پژوهشی

نقش دینداری در خردمندی از منظر علامه طباطبائی با تأکید بر تفسیر المیزان

mehdirosta@ens.uk.ac.ir

hralavi@uk.ac.ir

myaridehnavi@uk.ac.ir

سیدمهدی روستا / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید باهنر کرمان

سیدحمیدرضا علوی / استاد بخش علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مراد یاری دهنوی / دانشیار بخش علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳

چکیده

در چند دهه اخیر دانشمندان تلاش زیادی انجام داده‌اند که مؤلفه‌های خردمندی را مشخص نمایند. دینداری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های خردمندی مورد توجه بوده است، از آنجاکه سایر پژوهش‌ها به طور عمیق و جامع به تبیین نقش دینداری در خردمندی پرداخته‌اند، از این‌رو هدف این پژوهش تبیین نقش دینداری در خردمندی است. جامعه آماری این پژوهش شامل همه آثار علامه طباطبائی است و نمونه آن، با تأکید بر تفسیر المیزان می‌باشد. به منظور تبیین مؤلفه‌های دینداری مؤثر در خردمندی از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شد. ابتدا با کمک نرم‌افزار جامع التفاسیر نور ۳، واژه خرد و واژگانی که ارتباط معنایی قوی با خرد دارند در تفسیر المیزان مورد جست‌وجو قرار گرفتند. سپس به مطالعه عمیق پاراگراف‌های جست‌وجوشده پرداخته شد و عبارات مرتبط فیش‌برداری شدند. بعد از گردآوری اطلاعات، مجدداً عبارات مرتبط عمیقاً مورد مطالعه قرار گرفتند و به توصیف و تحلیل نقش دینداری در خردمندی از منظر علامه طباطبائی پرداخته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های دینداری مؤثر در خردمندی شامل «دینداری عالمانه»، «دینداری عمل‌گرایانه»، «کسب فضائل و اخلاقیات الهی و انسانی»، «حکمت الهی»، «عبودیت و بندگی خداوند»، «رابطه عارفانه با خداوند»، «اعتقاد به نبوت انبیاء الهی و پیروی از آنان» و «ساختن زندگی دنیوی و اخروی» می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که دینداری از طریق تحول در شناخت، عاطفه و معنویت فرد به تحول در بعد عقلانی او کمک می‌کند و تحول در بعد عقلانی به معنای رشد خردمندی است. از جهتی هر نوع دینداری با خردمندی مرتبط نیست، بلکه دینداری که به‌درستی شکل گرفته باشد می‌تواند به رشد خردمندی کمک نماید.

کلیدواژه‌ها: دینداری، خرد، خردمندی، عقل، شناخت، علامه طباطبائی، تفسیر المیزان.

مقدمه

خرد در زمره مفاهیم ارزشمند و والای بشر است که می‌توان در زندگی سعادتمندانه فردی و اجتماعی او نقشی اساسی ایفا نماید. هنرمند و همکاران (۱۴۰۳) بیان می‌دارند که نوشته‌های اولیه علم روان‌شناسی در مورد خرد، این مفهوم را به‌عنوان نقطه پایانی ایدئال تحول هویت در انسان می‌دانند. در مورد نقش محوری خرد در حل معضلات پیچیده بشر در قرن حاضر استرنبرگ (۲۰۱۹) بیان می‌دارد که جهان با مشکلات بزرگ، مبرم و ترسناکی، اعم از تغییرات آب و هوایی، تروریسم، افزایش نابرابری درآمد، سوء مصرف مواد مخدر، و احساس ناامیدی در میان بسیاری از افراد روبه‌رو هست. خرد ظرفیت ایجاد راه‌حل‌های این مشکلات فراهم می‌کند که از هیچ طریق دیگری قابل حل نیستند. به دلیل اهمیت به‌سزای مفهوم خرد در زندگی انسان، در چند دهه اخیر، بررسی علمی این مفهوم برای شناخت مؤلفه‌های آن آغاز شده است. نتایج این پژوهش‌ها منجر به شکل‌گیری نظریات و ابعاد و مؤلفه‌های متعددی برای آن شده است. خرد با فرهنگ رابطه‌ای مستقیم دارد؛ چراکه فرهنگ در شکل‌دهی به شناخت‌ها، انگیزش‌ها و رفتارهای خردمندان انسان نقش بسزایی دارد و از جهتی مؤلفه‌های خردمندی تا حدودی در هر فرهنگی منحصربه‌فرد است. گروسمن و کانگ (۲۰۱۹) معتقد هستند خرد یک سازه انعطاف‌پذیر فردی و فرهنگی است که با یک گزارش ساخت‌گرای نوظهور از خرد و توسعه آن سازگار می‌باشد. همچنین آسمان (۲۰۱۹) بیان می‌دارد که از آنجاکه خرد یک اصطلاح ارزشی می‌باشد که در بافت فرهنگی گنجانده شده است، از این‌رو محتوای آن بسیار متغیر است. کردنوقابی و همکاران (۱۳۹۴) معتقدند که دینداری باید یکی از مؤلفه‌های خرد باشد؛ چراکه با بررسی تاریخ زندگی می‌توان مشاهده کرد گرایش‌های دینی و آیین دینی در هر فرهنگ و جامعه‌ای بین افراد آن جامعه وجود دارد و این امر گرایش فطری انسان‌ها به دین را نشان می‌دهد که بر این مبنا می‌توان گفت که یکی از ابعاد مهم خرد و خردمند شدن، دینداری می‌باشد. انسان ایرانی و دین بسیار درهم‌تنیده‌اند؛ به‌طوری‌که دین منشأ بسیاری از شناخت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای او می‌باشد. در نتیجه شناخت مؤلفه‌های دینداری که می‌تواند بر خردمندی او مؤثر واقع شود، بسیار حائز اهمیت است. برای شناخت این مؤلفه‌ها باید به منبع اصیل دین که قرآن می‌باشد، رجوع نمود و از آن جهتی که قرآن نیازمند تفسیر

است تا جنبه‌های عمیق آن کاویده شود و از خطا در فهم آن جلوگیری نمود، از این‌رو رجوع به تفسیر المیزان علامه طباطبائی که تفسیری بزرگ در جهان تشیع می‌باشد و با معاصریت انسان مسلمان ایرانی امروز پیوندی عمیق دارد، امری الزامی است. در این باره جلیلی سنزیقی (۱۳۸۷) معتقد است که وجه فلسفی علامه طباطبائی و کاربست نظریه جدید تفسیری‌اش منجر به این شد که درس تفسیر و کتاب تفسیر المیزان او فراتر از یک درس یا کتاب صرف باشد و سرانجام به صورت‌بندی جدیدی از اندیشه دینی منجر شد که می‌توانست با ویژگی‌ها و نیازهای زمانه ارتباط برقرار کند. در نتیجه این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های دینداری که مؤثر بر خردمندی می‌باشند، کدام‌اند؟

پژوهشگر با بررسی پژوهش‌های داخل و خارج کشور در پایگاه‌های داده مختلف دنیا به نزدیک‌ترین پژوهش‌ها، به پژوهش حاضر دست یافت که شامل موارد زیر هستند:

تجملیان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «ابعاد خردمندی از دیدگاه قرآن کریم و اصول تربیتی منتج از آن»، ابعاد خردمندی در قرآن را شامل «آزاداندیشی و پرهیز از تقلید»، «غربالگری و پیروی از بهترین»، «تفکر (در آیات تکوینی یا شگفتی‌های آفرینش)»، «ذکر (هوشیاری)»، «انسجام وجودی (هماهنگی علم و گفتار با عمل و رفتار)»، «علم‌گرایی (پشتوانه علمی) و دوری از پندارگرایی»، «آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی»، «پندآموزی و عبرت‌پذیری» و «تقوا (خویش‌داری)» می‌دانند. موحد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای معیارشناسی خردمندی در روایات اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} با دستاوردهای روان‌شناختی» ویژگی‌های انسان خردمند از دیدگاه روایات معصومان را در پنج بعد ۱. ویژگی‌های درون‌فردی؛ ۲. ویژگی‌های بین‌فردی؛ ۳. در ارتباط با دنیا؛ ۴. در ارتباط با آخرت (برای آخرت کار کردن)؛ ۵. در ارتباط با معبود (به خدا ایمان داشتن، شناختن خدا، حسن اعتماد به خدا و انجام واجبات و ترک محرمات) مطرح می‌کنند. کردنوقابی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «نظریه‌های ضمنی خرد در ایران؛ بررسی پدیدارشناختی»، پنج مؤلفه اصلی خرد از دیدگاه مردم عادی درباره خرد را شامل شناخت، دانش / انعطاف‌پذیری، همدلی / حمایت، خودتعیین‌گری /

بلکه پژوهش‌ها به صورت ضمنی و مختصر به بررسی نقش دینداری در خردمندی اشاره کرده‌اند و همچنین پژوهش‌های خارجی بیشتر به بررسی رابطه معنویت و خردمندی پرداخته‌اند و کمتر به رابطه دینداری و خردمندی اشاره داشته‌اند که این امر نیز چندان عمیق و جامع نبوده است. از این رو پژوهشگر به پژوهشی که به صورت عمیق به بررسی نقش خردمندی در دینداری پرداخته باشد، دست نیافته است، در نتیجه پژوهش حاضر که در پی تبیین نقش دینداری در خردمندی از منظر علامه طباطبائی با تأکید بر تفسیر *المیزان* می‌باشد، جنبه نوآورانه دارد.

۱. مفهوم خرد

به منظور روشن کردن مفهوم خردمندی، ابتدا باید مفهوم خرد تبیین شود. معین (۱۳۸۶) در تبیین معنای لغوی خرد، آن را به معنای «عقل»، «ادراک»، «دریافت»، و «فهم» می‌داند. در قرآن و روایات به صورت مستقیم از واژه خرد و مشتقات آن استفاده نشده است، ولی نزدیک‌ترین واژه به خرد را می‌توان «لب» و «عقل» دانست. مطهری (۱۳۸۹) در باب معنای «لب» بیان می‌کند که اگر چیزی دارای پوسته‌ای باشد و در داخل آن پوسته ماده قابل استفاده‌اش قرار بگیرد، به پوسته آن «قشر» و به مغز آن «لب» می‌گویند. نویسنده مذکور همچنین بیان می‌دارد که قرآن عقل انسان را در بسیاری از آیات به معنای لب می‌داند. در این باره راغب اصفهانی بیان می‌کند که لب و عقل دقیقاً هم‌معنا نیستند، «لب» را عقل و خردی می‌داند که از هر شائبه و ناخالصی پاک باشد و به نقل از دیگران، بیان کرده است: لب برتر و والاتر از عقل است، و هر لبی، عقل است، ولی هر عقلی لب نیست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۰۵). در باب معنای عقل، علامه طباطبائی عقل را به معنای ادراک و فهمیدن چیزی می‌داند، البته ادراک و فهمیدن که کامل و تمام باشد، و به همین خاطر نام آن حقیقتی را که در انسان است، و انسان به وسیله آن میان صلاح و فساد، حق و باطل و راست و دروغ فرق می‌گذارد، عقل نامیده‌اند. این حقیقت عبارت است از: نفس انسان مدرک (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۶۱۰ و ۶۱۱). علامه طباطبائی (۱۳۹۷)، همچنین عقل را جوهری مجرد و مبرا از قوه و استعداد می‌داند که به نفس برای دریافت صور معقوله فعلیت می‌دهد. همچنین راغب اصفهانی عقل را به معنای بند کردن و باز ایستادن می‌داند و در

ابراز وجود و دین‌مداری (تسلیم بودن در برابر خدا، شکرگذار خدا بودن، به فکر آخرت بودن، ایمان به خدا) می‌دانند و ویژگی‌ها و دلایل خردمند بودن را به هفت طبقه (ویژگی‌های شخصیتی، تفکر، علم، ارتباط، رهبری، دین‌مداری (عادل و با تقوا بودن، مفسر قرآن، امر به معروف و نهی از منکر، خداترس، شاکر خدا بودن) و خانواده) تقسیم می‌کنند. اسعدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های افراد خردمند بر پایه نظریه‌های ضمنی: با نگاهی بر تفاوت گروه‌های سنی و جنسیتی»، از جمله ویژگی‌های افراد خردمند را همه‌جانبه‌نگری، بالایمان (بالایمان، الگوبرداری از قرآن، توکل بر خدا دارد، باتقوا، پاک بودن، انجام امور دینی، امانت‌دار، از نفس خود پیروی نمی‌کند)، متفکر و منطقی، صبور و باگذشت، صاحب علم و دانش، مهربان، اهل احترام به خود و دیگران، عاقل، آینده‌نگر و باهوش می‌داند. در تاج و دانش پایه (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان «مقیاس خرد ایرانی - اسلامی (IWS): مفهوم‌سازی، توسعه و اعتباربخشی در فرهنگ ایرانی» با بررسی مفهوم خرد در فرهنگ ایرانی، از جمله مؤلفه‌های خرد را تفکر استراتژیک، خودآگاهی، معنویت، سازگاری، رفتارهای جامعه‌پسند و مشاوره اجتماعی می‌داند. اسدی، خورشیدی، و گلوک (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «دانش کودکان ایرانی در مورد خرد» با مطالعه درک کودکان ایرانی از خرد، از جمله مؤلفه‌هایی که برای افراد خردمند دست یافتند می‌توان به خوب، با صداقت، بالایمان، باهوش، منظم، مهربان، و باسواد اشاره کرد. جسته و لی (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان «علم تجربی در حال ظهور خرد: تعریف، اندازه‌گیری، زیست‌شناسی عصبی، طول عمر و مداخلات»، خرد را یک ویژگی پیچیده انسانی می‌دانند که دارای مؤلفه‌های تصمیم‌گیری اجتماعی، رفتارهای جامعه‌پسند، خوداندیشی، تنظیم احساسات، پذیرش عدم اطمینان، قاطعیت و معنویت است. لونسون و همکاران (۲۰۰۵)، به نقل از دانگ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «خودتعالی: مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری» در مدل خودتعالی، کاهش اتکا به عوامل بیرونی برای هویت، افزایش معنویت و افزایش احساس ارتباط با جهان را از جمله مؤلفه‌هایی می‌دانند که منجر به رشد خرد می‌شود.

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های داخلی به صورت مستقل به بررسی عمیق نقش دینداری در خردمندی نپرداخته‌اند،

خردمند بودن» یا «خردمند بودن» می‌باشد. معین (۱۳۸۲)، خردمندی را به معنای «خردمند بودن» و «عاقل بودن» ذکر می‌کند. همچنین، صدری افشار (۱۳۸۸)، خردمندی را به «وضع یا کیفیت خردمند بودن» و «تعقل» معنا می‌کند. به صورت خلاصه می‌توان خردمندی را وضعیتی دانست که فرد صاحب نظام شناختی ژرف، جامع و عمیق است؛ به طوری که این نظام شناختی به فرد کمک می‌کند با موقعیت‌ها و مسائل مختلف به شکل درست و مطلوب مواجهه پیدا کند.

۲. مفهوم دینداری

برای شناخت مفهوم دینداری، ابتدا ضروری است مفهوم دین تبیین شود. علامه طباطبائی دین را به معنای سنتی اجتماعی می‌داند که انسان در زندگی اجتماعی خود بر طبق آن سیر می‌کند. سنت‌های اجتماعی متعلق به عمل است، که زیربنای آن، اعتقاد به حقیقت هستی عالم و خود انسان، به عنوان یکی از اجزای عالم، می‌باشد؛ به همین خاطر است که به خاطر اختلاف اعتقادات درباره حقیقت هستی، سنت‌های اجتماعی نیز مختلف می‌شود (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱۵، ص ۷). آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۰)، دین را مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی می‌داند که به منظور اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها به وسیله وحی و عقل در اختیار آنها قرار دارد. آیت‌الله مصباح یزدی (۱۳۹۱)، دین اسلام را این گونه تعریف می‌کند که دین اسلام عبارت است از: مجموعه‌ای از باورهای قلبی، که برآمده از استدلال‌های عقلی و نقلی و امور فطری است، و تکالیف دینی که از سوی خداوند بر پیامبر اسلام ﷺ و به منظور تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر نازل شده است. کلمه «دیندار» صفت فاعلی «دین» است و از آنجا که کلمه «دیندار» صفت مرکب از دین+دار است؛ از این رو به معنای دارنده دین می‌باشد. با اضافه کردن «ی» به کلمه «دیندار»، کلمه «دینداری» ساخته می‌شود که مصدر جعلی می‌باشد و به معنای حالت یا کیفیت داشتن دین یا پایبندی عملی به دین است. از لحاظ لغوی معین (۱۳۸۲)، دینداری را به معنای ۱. تدین؛ ۲. تدین به دین اسلام و ۳. تقوا و زهد معنا می‌کند. همچنین صدری افشار (۱۳۸۸)، دینداری را به «وضع یا کیفیت دیندار بودن» معنا می‌کند. آیت‌الله مصباح یزدی در تعریف انسان دیندار بیان می‌کند: «انسان دیندار کسی است که در اعتقاد، پذیرفتن ارزش‌ها و در عمل فردی

تعریف عقل آن را نیرویی می‌داند که برای پذیرش علم آماده است، همچنین به علم و دانشی که به وسیله آن، نیروی باطنی فرد از آن سود می‌برد، «عقل» گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۳۰). لازم به ذکر است، علی‌رغم ارتباط معنای قوی واژه عقل با خرد، این دو واژه دارای تفاوت‌های معنایی می‌باشند. حنایی کاشانی (۱۳۸۹) معتقد است که هرچند در زبان فارسی دو کلمه «عقل» و «خرد» معمولاً به صورت مترادف به کار می‌روند، اما این دو کلمه از هر حیث مترادف نیستند. از ساده‌ترین دلایل تمایز عقل و خرد این است که عقل دچار لغزش می‌شود، ولی خرد مبرا از لغزش است. یکی دیگر از دلایل تمایز عقل و خرد این است که عقل یکی از قوای انسان است، ولی خرد امری شناختی و محصول عقل‌ورزی است. به صورت کلی می‌توان رابطه عقل و خرد را به این صورت دانست که خرد محصول عقل‌ورزی درست انسان است، از این رو در عین ارتباط قوی، خرد از لحاظ معنایی با عقل متفاوت است. در دنیا نیز تعاریف متعددی از خرد مطرح شده است که در اینجا به سه مورد از این تعاریف مهم اشاره می‌کنیم. بالتز و استاودینگر خرد به عنوان یک «سیستم دانش تخصصی در شیوه‌شناسی بنیادین زندگی» تعریف می‌کنند (Baltes & Staudinger, 200, p.122). به بیانی دیگر، به دلیل تأکید خرد بر تعالی، خرد را می‌توان به عنوان تخصص در ساختن زندگی و معنای آن تعریف کرد. منظور از شیوه‌شناسی بنیادین زندگی، شناخت و قضاوت در مورد ماهیت شرایط انسان و راه‌ها و ابزارهای طراحی، مدیریت و درک زندگی خوب است. یانگ خرد را به این معنا می‌داند: «یک نوع خاص از فرایند زندگی واقعی که پس از اینکه شخص به طور شناختی یک ادغام غیرمعمول انجام می‌دهد، ایده‌های خود را از طریق عمل مجسم می‌کند و از این رو اثرات مثبتی برای هم، برای خود و هم برای دیگران به ارمغان می‌آورد، حاصل می‌شود» (Yang, 2008, p.68). گروسمن و همکاران (۲۰۱۰) خرد را شامل استفاده از انواع خاصی از استدلال عمل‌گرایانه می‌دانند که فرد خردمند برای عبور از چالش‌های مهم زندگی اجتماعی آنها را مطرح می‌نماید. کلمه «خرد» اسم است و کلمه «خردمند» صفت فاعلی مرکب آن (خرد+مند) می‌باشد که به معنای دارنده خرد است و با اضافه کردن «ی» به کلمه «خردمند»، کلمه «خردمندی» ساخته می‌شود، از این رو کلمه خردمندی، مصدر جعلی به معنای «حالت یا کیفیت

و اجتماعی آن گونه که مورد قبول و خواست خداوند متعال است، رفتار نماید و در هر کدام از این امور نقص داشته باشد، دینش ناقص خواهد بود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۰). از نظر امیرمؤمنان علی علیه السلام ایمان کامل که تجلی دینداری حقیقی است، سه نشانه دارد: شناخت با دل، اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷، ص ۴۸۳). به صورت کلی می توان دینداری را وضعیت دیندار بودن افراد دانست؛ به طوری که پابندی فرد نسبت به نظام اعتقادی، عبادی و اخلاقی دین را نشان می دهد.

۳. وجود ارتباط میان دینداری و خردمندی

بسیاری از نظریات داخلی و تعدادی از نظریات خارجی به ارتباط دینداری با خردمندی اشاره داشته اند، به طوری که یکی از مؤلفه های اساسی خردمندی را دینداری دانسته اند. هرچند هیچ کدام از این نظریات به طور عمیق و جامع به این رابطه نپرداخته اند. در این زمینه علامه طباطبائی معتقد است که انسان با نیروی خرد با کشف قوانین طبیعت و موارای طبیعت، هر زمان رونق و ارزش تازه ای به زندگی مادی و معنوی خویش می دهد (طباطبائی، ۱۳۸۷ الف، ص ۲۰۶). از این رو از این سخن علامه طباطبائی می توان برداشت کرد که انسان خردمند با به کارگیری خرد خود، زندگی معنوی خویش را رونق می دهد. در این باره خداوند در آیات ۸ و ۱۰ سورة طلاق در دعوت خردمندان می فرماید: «وَكَأَيُّ مِّنْ قَرِيْبَةٍ عَنَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبُنَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذِّبْنَا عَذَابًا نُّكَرًا... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا» (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱۹، ص ۵۴۱). علامه ذیل تفسیر آیه ۸ بیان می دارد که «جمله «عَنَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ» اشاره است، به اینکه اهل قریه به خدا کفر ورزیدند و مرتکب شرک شدند، و کفر دیگری به رسولان خدا ورزیدند، و دعوت آنان را تکذیب کردند، علاوه بر این، به خدا کفر ورزیدند و شرایع او را ترک کردند، و به رسولان او کفر ورزیدند و ولایت آنان را نپذیرفتند، با اینکه مأمور به ولایت آنان بودند» (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱۹، ص ۵۴۲ و ۵۴۳). از این رو خداوند در این آیات، خردمندان را به پیروی از شرایع اش دعوت می کند؛ در نتیجه از نشانه های خردمندان را پیروی از شرایع اش می داند. خداوند نیز در آیه ۱۳۰ سورة بقره، «وَ مَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مِنْ سَفَهٍ نَفْسُهُ وَ لَقَدْ صِطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي

الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۵۱). رویگردانی از کیش ابراهیم را نشانه حماقت و بی خردی می داند. کردنوقایی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۵)، به نقل از: پالهاوس و همکاران (۲۰۰۲)، در پژوهشی از دانشجویان خواستند خردمندترین فردی را که می شناسند، معرفی کنند. آنها در این پژوهش به این نتیجه دست یافتند که دانشجویان بیشتر رهبران مذهبی و افرادی که جهان را به صورت صلح آمیز و دلسوزانه تغییر می دهند، به عنوان خردمند معرفی می نمودند. جسته و همکاران (۲۰۱۰) معتقد هستند که سنت های دینی در مسیحیت، یهودیت، بودیسم و هندوئیسم بر دینداری یا حداقل معنویت به عنوان ویژگی خردمندان تأکید می کنند. وینگ و دیلون (۲۰۱۳)، بیان می دارند که بین خرد و دینداری و جست و جوی معنوی ارتباط مثبت وجود دارد و دو شکل سنتی اشکال منفرد جست و جوی معنوی و مشارکت کلیسا به ابعاد و مظاهر مختلف خرد دست می زنند. کروس و هیوارد (۲۰۱۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که افرادی که بیشتر به کلیسا می روند، از اعضای کلیسا حمایت معنوی بیشتری دریافت می کنند، افرادی که در کلیسا حمایت معنوی بیشتری دریافت می کنند، خرد بیشتری خواهند داشت، خرد بیشتر با احساس امید قوی تری همراه است و افراد امیدوار از سلامتی بهتری برخوردار می باشند. سیاوشی و فاضلیان (۱۳۹۴)، از جمله نشانه های عقل گرایی در نهج البلاغه را شامل غایت شناسی، پرسشگری، تجربه اندوزی، تدبیر، پرهیز از بدزبانی و زیاده گویی، حق گرایی و پرهیز از باطل، دوستی با مردم، اعتدال گرایی، کسب عبادت برتر، نگاه درست به دنیا، تشخیص راه رشد و مسیر پیشرفت، توشه برداری برای قیامت و اجتناب از ارتکاب بدی ها می دانند. کردنوقایی و همکاران (۱۳۹۴)، چهار مؤلفه اصلی خرد از دیدگاه سالمندان را شامل دینداری (مؤمن بودن، خداپرست، اهل نماز و زکات دادن، امر به معروف و نهی از منکر، خدانشناس، انجام کارهای مورد پسند خدا، قرآن خواندن، باتقوا بودن، اخلاص داشتن، حمد و ثنای خداوند را به جا آوردن، مطیع اوامر الهی، شاکر خدا بودن، ترس از آخرت، به خواست خدا تن دادن، خدا را ناظر کارها دانستن، اعتقاد پاک به خدا)، همدلی / حمایت، شناخت / علم، و شخصیت می دانند. قاسمی حامد و معارف (۱۳۹۸)، از جمله آثار به کارگیری عقل در نهج البلاغه را در چهار دسته: ۱. در ارتباط انسان با خداوند (فهم حقایق، درک دستورات دینی و عمل به آنها، هدایت یافتن، اعتراف

به قدرت خداوند و نجات یافتن)؛ ۲. در ارتباط انسان با خود؛ ۳. در ارتباط انسان با دیگران؛ ۴. در ارتباط انسان با طبیعت و جهان (پند گرفتن از مرگ و قیامت و...) می‌دانند. دستا و همکاران (۱۳۹۹)، از جمله ابعاد خرد در جامعه ایران را فضیلت‌های عقلانی، عملکردی، اخلاقی، مدنی و معنوی (تعالی: معنویت و دینداری) می‌دانند.

۴. یافته‌ها

۴-۱. حکمت الهی

شناخت حکیمانه از اسماء و صفات الهی به فرد کمک می‌کند بتواند از رهگذر شناخت خداوند، حقیقت عالم، پدیده‌ها و مسائل را به‌درستی بشناسد، از این‌رو در مواجهه با آنها به شکل صحیح برخورد کند و با آنها هم‌نوا گردد. از این طریق است که خرد و رفتار خردمندانه فرد رشد می‌کند. خداوند در آیه ۵۲ سوره ابراهیم: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَ لِيَذْكُرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱۲، ص ۱۱۷)، اعتقاد به خدای یگانه را از ویژگی خردمندان می‌داند. همچنین علامه طباطبائی در این‌باره بیان می‌کند که (منطق خرد) انسان را دعوت می‌نماید که در درک خود از هستی این جهان گذران دقیق شود تا روشن شود که هستی جهان و آنچه در آن است، از پیش خودشان نیست؛ بلکه از یک منبع نامتناهی سرچشمه می‌گیرد (طباطبائی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۷). از این‌رو خردمندان به پیروی از خرد خود، به وجود این منبع نامتناهی، یعنی خداوند پی می‌برند. نسبت خردمندان با خداوند صرفاً به کشف وجود او منحصر نمی‌شود، بلکه آنها برای شناخت پروردگار خود تلاش و کوشش می‌کنند و از رهگذر این تلاش و کوشش به‌خوبی به شناخت خداوند دست می‌یابند. در این‌باره علامه طباطبائی معتقد است که عقل، مردم را به بذل جهد در تکمیل شناسایی خداوند و آیاتش تحریص و تشویق می‌نماید (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۸، ص ۱۹۱). از این‌رو خردمندان که صاحبان عقل هستند، به بذل جهد در تکمیل خدا و آیاتش می‌پردازند. علامه طباطبائی ذیل تفسیر آیه ۷ سوره آل عمران: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ» بیان می‌کند که خردمندان یا همان راسخان در علم،

آنچنان علمی به خداوند و آیاتش دارند که با ذره‌ای شک و شبهه آمیخته نیست (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۴۴). از این‌رو خردمندان خداوند را به‌خوبی می‌شناسند؛ چراکه در این علم، شک و شبهه‌ای ندارند. آیت‌الله مکارم شیرازی در ذیل تفسیر این آیه بیان می‌کند که آیات متشابه، آیاتی هستند که به‌خاطر سطح بالای مطلب یا گفت‌وگو درباره عوالمی که از دسترس انسان خارج است، مانند عالم غیب، جهان رستاخیز و صفات الهی، چنان هستند که معنای نهایی و اسرار و کنه حقیقت آنها نیازمند سرمایه خاص علمی می‌باشد. آیت‌الله مکارم شیرازی همچنین بیان می‌کند که راسخان در علم، اسرار آیات متشابه را می‌دانند و آنها را برای مردم تشریح می‌کنند، راسخان در علم در پرتوی علم وسیع خود، آیات متشابه را مانند آیات محکم درک می‌کنند و به همین دلیل در مقابل همه آنها تسلیم هستند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۴۲ و ۴۴۳). از این‌رو خردمندان یا راسخان در علم به‌خوبی صفات الهی و... را درک می‌کنند.

۴-۲. اعتقاد به نبوت انبیاء الهی و پیروی از آنان

مواجهه با انبیای الهی و پیروی از آنها به فرد کمک می‌کند به معرفتی حقیقی و فطری که به سعادت دنیوی و اخروی او منجر می‌گردد دست یابد، از این‌رو کسب چنین معرفتی نظری و عملی در مواجهه خردمندانه و درست فرد با مسائل مختلف به او یاری می‌رساند؛ در نتیجه خرد فرد رشد می‌کند. خداوند در این‌باره در آیات ۹ و ۱۰ سوره ملک: «قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» می‌فرماید: علت حسرت دوزخیان به‌خاطر تعقل نکردن است؛ چراکه اگر تعقل می‌کردند، دعوت پیامبران را تکذیب نمی‌کردند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱۹، ص ۵۸۲ و ۵۸۳). از این‌رو خردمندان که اهل تعقل هستند، دعوت پیامبران را تکذیب نمی‌کنند. در ذیل تفسیر این آیه ابوالفتح رازی در این‌باره می‌فرماید که اهل دوزخ به یکدیگر می‌گویند که اگر چنان‌که ما در دنیا به سمعیات و شرعیات گوش می‌دادیم، آنچه پیامبران خدا گفتند را شنیده بودیم، در آنچه از معقولات بود با عقل اندیشه می‌کردیم و در اوامر و نواهی تأمل و تدبر می‌کردیم، از اهل دوزخ نبودیم (ابوالفتح رازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۳۲۲). اعتقاد

۴-۴. دینداری عمل‌گرایانه

دین علاوه بر اینکه به اصلاح شناخت‌ها و نگرش‌های فرد کمک می‌کند، در حوزه عمل انسان نیز تحول ایجاد می‌کند. دینداری غیرعمل‌گرایانه علاوه بر اینکه نشانه عدم شناخت صحیح دین است، منجر به شکاف نظر و عمل در فرد می‌شود؛ به‌طوری‌که فرد دچار انحراف در جهان‌بینی و باورهای حقیقی خود می‌شود. دینداری عمل‌گرایانه به فرد کمک می‌کند، علاوه بر حفظ انسجام شخصیتی خود، به اعتلای حوزه‌های عملی و ساحات مختلف زندگی خود دست یابد. از این‌رو فرد از این طریق خردمندانه‌تر زندگی می‌کند. خداوند در آیه ۵۰ سوره مائده: «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ»، بیان می‌دارد که در مقابل دین حق، حکم جاهلیت قرار دارد و کسی حکمش از حکم خدا بهتر نیست (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۵۵۲ و ۵۵۳). بحرانی به نقل از کتاب *الکافی* در تفسیر البرهان در ذیل تفسیر این آیه از منظر امام علی (ع) بیان می‌کند که حکم کردن دو نوع است؛ حکم خداوند و حکم جاهلیت؛ هر کسی که حکم پروردگار را کنار بگذارد، به حکم جاهلیت قضاوت نموده است (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۶۷۰). از این‌رو خردمندان که قادر به درک امور جاهلانه هستند و از چنین اموری دوری می‌کنند، در نتیجه با درک اینکه غیر حکم خدا، جاهلیت است، از دین حق پیروی می‌نمایند. همچنین علامه طباطبائی از جمله ویژگی‌های صاحبان خرد را ترس از خداوند و عمل به شرایع او می‌داند تا از این طریق شاید رستگار شوند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۲۱۹). از جلوه‌های عمل به دین، رعایت تقوای الهی است؛ خداوند در آیه ۱۷۹ سوره بقره: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، خردمندان را کسانی می‌داند که تقوای الهی پیشه می‌کنند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۶۵۵).

۴-۵. کسب فضائل و اخلاقیات الهی و انسانی

فضائل و اخلاقیات الهی و انسانی، اموری ذاتاً فطری و عقلایی هستند. فرد با فهم و عمل به آنها به همنوایی با فطرت و عقل خود اقدام می‌نماید؛ این امر منجر به شکوفایی فطرت و عقل فرد می‌گردد. از آنجاکه شکوفایی فطرت و عقل رابطه مستقیم با رشد خرد در فرد دارد، از این‌رو کسب فضائل و اخلاقیات الهی و انسانی منجر به شکوفایی خرد در فرد می‌گردد. علامه طباطبائی معتقد

خردمندان به نبوت انبیاء الهی صرفاً به پذیرش دعوت آنها محدود نمی‌شود، بلکه آنها نیز عامل به فرمان‌های انبیاء الهی هستند. در این‌باره خداوند در آیات ۸ و ۱۰ سوره طلاق: «وَكَايْنٌ مِنْ قَرْبَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا تُكْرًا... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا» (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۹، ص ۵۴۱)، خردمندان را به اطاعت از فرمان پیامبران فرا می‌خواند.

۴-۳. دینداری عالمانه

دینداری عالمانه به فرد کمک می‌کند از سطحی‌نگری و قشری‌گری در دین فاصله گیرد و بینش ژرف و عمیقی نسبت به مقوله‌های دینی دست یابد. این امر هم به فرد کمک می‌کند که به شکلی خردمندانه با دین مواجهه گردد و هم از این معارف عمیق و ژرف برای شکل دادن به جهان‌بینی و سبک زندگی خود به شیوه‌ای حقیقی بهره‌برد. از این‌رو دینداری عالمانه به رشد خرد فرد منجر می‌گردد. علامه طباطبائی درباره تشخیص دین حق می‌فرماید: هر انسان عاقلی اگر دینی را می‌پذیرد و تشخیص می‌دهد که دین حق است، با عقل خود تشخیص می‌دهد (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۵۰۲). از این‌رو خردمندان که صاحبان عقل هستند، با عقل خود می‌توانند دین حق را تشخیص دهند. همچنین علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۹ سوره زمر: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، معتقد است، خردمندان که همان عالمان هستند، برای کسب دانش در آیات خداوند تدبر و در دینش تفقه می‌کنند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۲۴). خردمندان بعد از شناخت عالمانه دین، آن را می‌پذیرند و در جرگه مؤمنان به دین الهی قرار می‌گیرند. خداوند در آیات ۱۸ و ۱۹ سوره رعد: «لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، از جمله ویژگی‌های خردمندان را اجابت دعوت پروردگار می‌داند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱۱، ص ۴۵۵ و ۴۵۶). همچنین مغنیه ذیل تفسیر این آیه بیان می‌کند که مراد از اولوالالباب، مؤمنان و پرهیزگاران هستند (مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۶۲۱).

ص ۴۶۷). از این رو خردمندان اهل اطاعت از خداوند هستند. علامه طباطبائی در تفسیر *المیزان*، آیات انعام: ۱۱۰؛ جاثیه: ۲۳؛ بقره: ۱۳۰ و هود: ۲۰ را در ارتباط با بحث خرد و عقل می‌داند. در این آیات به ارتباط بین اطاعت از خداوند با عقل و خرد اشاره می‌شود. استاد قرائتی در تفسیر نور هنگام برشمردن اوصاف خردمندان در قرآن، یکی از ویژگی‌های آنها را اهل تهجد و عبادت بودن می‌داند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۳۸). همچنین کردنوقایی و همکاران (۱۳۹۴) در این زمینه بیان می‌دارند که عامل دینداری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های خردمندی، به پرستش و پیروی از خدای یکتا، به‌طور کلی به بندگی و عبودیت خداوند اشاره دارد.

۴-۷. رابطه عارفانه با خداوند

برقراری رابطه عارفانه با خداوند جنبه‌های معرفتی، انگیزشی و رفتاری فرد را چنان متحول و یکپارچه می‌کند که جزء رفتار خردمندانه از او سر نمی‌زند؛ به‌طوری‌که باعث می‌شود که فرد جنبه‌هایی از حقایق را در قالب کشف و شهود مشاهده نماید که منجر به رشد معرفتی و عقلایی فرد گردد، از این رو این امر منجر به رشد خرد در فرد می‌گردد. علامه طباطبائی ذیل تفسیر آیات ۷ و ۸ سورة آل عمران: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»، در توصیف خردمندان یا همان راسخان در علم بیان می‌کند که از خداوند درخواست رحمتی می‌کنند که نعمت رسوخ در علم برای آنها باقی بماند، تا این نعمت آنها را در سیر بر صراط مستقیم هدایت، یاری کند و در سلوک مراتب قرب، آنها را کمک نماید (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۲۸). از این رو خردمندان اهل سلوک مراتب قرب الهی هستند، از جمله نشانه‌های این رابطه عارفانه با خداوند یاد دانی او می‌باشد. خداوند در آیه ۱۹۰ و ۱۹۱ سورة آل عمران: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»، از جمله ویژگی‌های خردمندان را یاد

است، از جمله عواملی که باعث می‌شود، حکومت عقل باطل شود، اعمالی است که انسانیت را تهدید می‌کند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۹۰). از این رو خردمندان وقتی قادر هستند به کمک عقل خود به خرد دست یابند که از اعمالی که انسانیت آنها را تهدید می‌کند، اجتناب کنند. همچنین علامه طباطبائی بیان می‌دارد که عقل درباره کسب فضائل، اوامر و همچنین درباره دوری از رذائل، نواهی صادر می‌کند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۵۲۳). از این رو کسب فضائل اخلاقی و دوری از رذائل اخلاقی، امری عقلایی و خردمندانه هست و خردمندان از آن پیروی می‌کنند. از جمله صفات اخلاقی که تفسیر *المیزان* به صورت واضح رعایت آنها برای خردمندان الزامی می‌داند، شامل وفای به عهد (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱۱، ص ۴۵۵ و ۴۵۶)، اجتناب از تقلب (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۹۰)، رعایت ادب و احترام نسبت به پیامبر (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱۸، ص ۴۵۳ و ۴۵۴)، دوری از تکبر (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۳۷۵)، دوری از خودبینی و خودخواهی (طباطبائی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۷) و... می‌باشد. در این زمینه استرنبرگ (۱۹۹۸)، معتقد است که ارتباط بین خرد و اخلاق چنان عمیق است که نمی‌توان از خرد بدون در نظر گرفتن مجموعه‌ای از ارزش‌ها صحبت کرد.

۴-۶. عبودیت و بندگی خدا

عبودیت و بندگی خداوند به‌معنای محور قرار دادن خواست خداوند در همه امور است. از آنجاکه خداوند امور خردمندانه را خواست خود قرار می‌دهد، از این رو فردی که اهل عبودیت و بندگی خداوند است، به اموری خردمندانه دست می‌زند و سعی می‌کند خردمندانه زندگی و رفتار نماید. از جهتی عمل به خواست الهی منجر به رشد قوا و ظرفیت‌های درونی و بیرونی فرد منجر می‌شود که این امر به رشد ظرفیت خرد در فرد منجر می‌گردد. علامه طباطبائی معتقد است که یکی از احکامی که خداوند به عقل داده، این است که جز او را نپرستند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۸، ص ۲۵۹ و ۲۶۰). از این رو خردمندان که صاحبان عقل هستند، به عبودیت و بندگی خدا می‌پردازند. همچنین علامه ذیل تفسیر آیه ۱۹ سورة رعد: «أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، در توصیف خردمندان بیان می‌کند که چون در دنیا اطاعات و عبادات مختلف را انجام دادند، اهل بهشت هستند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۱۱،

کردن خداوند در همه حال (ایستاده، نشسته و خفتن) می‌داند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۱۳۴ و ۱۳۵). همچنین علامه طباطبائی در این باره بیان می‌دارد که خداوند غایت و هدف است، و انسان عاقل هیچ وقت هدف را از یاد نمی‌برد، چون می‌داند از یاد بردن هدف باعث فراموش کردن راه است (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۶ ص ۲۴۳ و ۲۴۴). از این رو خردمندان که افرادی عاقل هستند، همیشه به یاد خداوند هستند. در این باره طبرسی در مجمع‌البیان بیان می‌دارد که عاقلان کسانی هستند که از خلقت جهان بر وجود خداوند استدلال می‌کنند و هم خداوند را در حال ایستاده، خوابیده و نشسته یاد می‌کنند (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۴، ص ۳۸۶).

۴-۸. ساختن زندگی دنیوی و اخروی

توجه به حیات دنیوی منجر به پاسخ به نیازهای مادی و آماده شدن فرصت مناسب رشد برای فرد می‌گردد و از جهتی توجه به جنبه‌های اخروی به رشد معنوی فرد کمک شایانی می‌کند. از این رو توجه توأم به زندگی دنیوی و اخروی به فرد کمک می‌کند به نیازهای مختلف وجودی خود پاسخ مناسب دهد و قوای و ظرفیت‌های مختلف خود را فعال نماید؛ در نتیجه این امر باعث می‌شود فرصت مناسبی برای رشد خرد فرد فراهم گردد. علامه طباطبائی معتقد است که خداوند برای بندگانش وظایف و تکالیفی تعیین نمی‌کند، مگر اینکه در آن مصلحتی باشد که دنیا و آخرت آنها را اصلاح کند. خدای تعالی به جز امر حسن و پسندیده دستور نداده است، و به جز از امری که قبیح و موجب فساد کردن دنیا و دین‌بندگان است، نهی نکرده است. کاری را انجام می‌دهد که عقل نیز همان را می‌پسندد، و چیزی را ترک می‌کند، که عقل هم ترک آن را سزاوار می‌داند (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۱۷۳). در نتیجه عقل به انجام مصالحی که باعث اصلاح دنیا و آخرت می‌شود، دستور می‌دهد، از این رو خردمندان به پیروی از حکم عقل به اصلاح دنیا و آخرت می‌پردازند. همچنین علامه معتقد است که انسان در مسیر سعادت خود باید هدفی را مورد نظر قرار دهد که عقل و خرد او، آن را نقطه سعادت تشخیص می‌دهد، نه چیزی را که عواطف حیوانی او می‌پسندد (طباطبائی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸۰ و ۲۸۱). علامه طباطبائی در اثر دیگری در این باره می‌فرماید: «سعادت حقیقی آدمیان بر مبنای عقل و خرد است» (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۷۳). از این رو انسان خردمند که عقل و خرد

در او حاکم است، به سعادت در دنیا و آخرت دست می‌یابد. با وجود اینکه خردمندان به هر دو دنیا توجه دارند، ولی در صورتی که بین این دو تزاممی اتفاق بیفتد، آخرت را بر دنیا ترجیح می‌دهند. خداوند در آیه ۳۲ سوره انعام: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»، دعوت به تعقل می‌کند تا از این طریق انسان بفهمد که خانه آخرت از دنیا بهتر است (طباطبائی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۵۸ و ۶۰). از این رو خردمندان که اهل تعقل هستند، خانه آخرت را بهتر از دنیا می‌دانند. رضائی اصفهانی ذیل تفسیر این آیه بیان می‌کند که با توجه به فریبندگی دنیا، فقط متفکران حقیقت برتر آخرت را درمی‌یابند و افراد غافل و بی‌هدف بازی می‌کنند و دنیامداری را شغل خویش قرار می‌دهند (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۶۱). از جمله آموزه‌ها و پیام‌های این آیه را این نکته می‌داند که تفکر کنید تا به حقیقت و فواید دنیا و آخرت آگاه شوید (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۶۲). همچنین آیات اعراف: ۱۶۹؛ یوسف: ۱۰۹؛ قصص: ۶۰ نیز به برتری آخرت بر دنیا نزد خردمندان اشاره دارد. پژوهش‌های ایرانی حوزه خرد به این مؤلفه نیز توجه داشته‌اند. در این زمینه کردنوقایی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۵)، از جمله مؤلفه‌های خرد از نظر ایرانیان را دینداری می‌داند که شامل زیرمؤلفه‌هایی مانند تسلیم بودن در برابر خداوند، شکرگذار خدا بودن، به فکر آخرت بودن و ایمان به خدا می‌باشد. همچنین دستا و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی مفهوم خرد در جامعه ایران، از جمله مؤلفه‌های خرد را تعالی می‌داند که شامل معنویت (خودمراقبتی، معنویت بالا، زندگی معنادار) و دینداری (بایمان، خداترس، توکل به خدا داشتن، دیندار، وابستگی دنیوی نداشتن، پارسا، متدین، با تقوا) می‌شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی تبیین نقش دینداری در خردمندی از منظر علامه طباطبائی با تأکید بر تفسیر *المیزان* می‌باشد، به این منظور به استخراج مؤلفه‌های دینداری مؤثر در خردمندی پرداخته است. از جمله مؤلفه‌های دینداری که در خردمندی مؤثر می‌باشد، می‌توان به «دینداری عالمانه»، «دینداری عمل‌گرایانه»، «کسب فضائل و اخلاقیات الهی و انسانی»، «حکمت الهی»، «عبودیت و بندگی خداوند»، «رابطه عارفانه با خداوند»، «اعتقاد به نبوت انبیاء الهی و پیروی از آنان» و «ساختن زندگی دنیوی و اخروی» اشاره کرد.

مهم‌ترین ساختار وجودی انسان که در ارتباط با خرد است، عقل می‌باشد، به‌طوری‌که خرد محصول عقل‌ورزی است. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عملکرد عقل، شناخت، عاطفه و معنویت است. دینداری بر هر دو عامل شناخت و عاطفه تأثیر به‌سزایی دارد. دینداری با فراهم آوردن جهان‌بینی و نظام اعتقادی حقیقی به فرد کمک می‌کند که درست و هماهنگ با مجموعه عالم بیندیشد، از این‌رو در موقعیت‌ها دقیق‌تر و خردمندانه‌تر عمل نماید؛ چراکه جهان‌بینی و نظام اعتقادی در انتخاب و قضاوت انسان بسیار محوری هستند. از جهتی دینداری با متخلق کردن فرد به اخلاقیات الهی و انسانی و مکلف کردن او به انجام اعمال عبادی به رشد شناختی، تنظیم‌گری عواطف فرد و پیراستن روح و فطرت او از غبار گناهان کمک زیادی می‌کند که این امور باعث می‌شود عقل فعال‌تر و خردمندانه‌تر بیندیشد؛ در نتیجه دینداری در رشد خردمندی فرد نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. هر نوع دینداری بر خردمندی مؤثر نیست، بلکه دینداری که به درستی شکل گرفته باشد بر خردمندی مؤثر است، چه‌بسا دینداری که نادرست شکل بگیرد و فرد را به نابخردانه‌ترین رفتارها به اسم دین وادارد. اگر دینداری به شکل درست شکل گیرد، مثل نوری است که منجر به رفتارهای خردمندانه‌تر می‌گردد و هر چقدر این نوع دینداری قوی‌تر شود، فرد بهره بیشتری از این نور به دست می‌آورد، از این‌رو میزان خردمندی او بیشتر می‌گردد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۱). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- اسعدی، سمانه (۱۳۹۴). ویژگی‌های افراد خردمند بر پایه نظریه‌های ضمنی: با نگاهی بر تفاوت گروه‌های سنی و جنسیتی. *پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت*، ۱(۱)، ۵۱-۶۶.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۸۹). ترجمه تفسیر *روای البرهان*. ترجمه مترجمان. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.
- تجملیان، حمیده و همکاران (۱۴۰۲). ابعاد خردمندی از دیدگاه قرآن کریم و اصول تربیتی منتج از آن. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳۱ (۴)، ۴۵-۷۶.
- جلیلی سنزیقی، هدایت (۱۳۸۷). کارنامه کامیاب: علامه طباطبائی. *کتاب ماه دین*، ۱۳۳-۱۳۴، ۸۴-۸۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). *دین‌شناسی*. قم: اسراء.
- حنایی کاشانی، محمدسعید (۱۳۸۹). تمایز عقل و خرد در چنین گفت زردشت نیچه. *شناخت*، ۳ (۶۲)، ۴۰-۷.
- دستا، مهدی و همکاران (۱۳۹۹). مفهوم خرد در جامعه ایران. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۳ (۳)، ۳۳-۶۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). *مفردات الفاظ قرآن*. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۹). *تفسیر قرآن کریم ویژه جوانان*. قم: عصر ظهور.
- سیاوشی، کرم و فاضلیان، جواد (۱۳۹۴). دعوت به تعقل و نشانه‌های عقل‌گرایی در نهج البلاغه. *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۳ (۱۲)، ۷۱-۸۹.
- صدری افشار، غلامحسین (۱۳۸۸). *فرهنگ‌نامه فارسی: واژگان و اعلام*. تهران: فرهنگ معاصر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۸). *تبیح در اسلام*. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷ الف). *تعالیم اسلام*. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷ ب). *روابط اجتماعی در اسلام*. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). *بررسی‌های اسلامی*. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۷). *بدایه الحکمه*. ترجمه و شرح علی شیروانی. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۰). *تفسیر المیزان*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۹). *تفسیر مجمع البیان*. ترجمه حسین نوری همدانی و همکاران. تهران: فراهانی.
- قاسمی حامد، مرتضی و معارف، مجید (۱۳۹۸). آثار به‌کارگیری عقل در نهج البلاغه. *پژوهش‌نامه علوی*، ۱۰ (۱)، ۱۹۱-۲۱۳.
- قزائنی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کردنوقایی، رسول و دلفان بیرانوند، آرزو (۱۳۹۵). نظریه‌های ضمنی خرد در ایران؛ بررسی پدارشناختی. *روانشناسی اسلامی*، ۳ (۳)، ۷۸-۱۰۵.
- کردنوقایی، رسول و همکاران (۱۳۹۴). دیدگاه سالمندان در مورد خرد و مؤلفه‌های آن: روانشناسی خرد. *روانشناسی پیری*، ۳ و ۱، ۱۵۷-۱۶۷.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *پاسخ استاد به جوانان پرسش‌گر*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *آشنایی با قرآن*. تهران: دانشگاه امام صادق.
- معین، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی (معین)*. تهران: دبیر.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: آذنا: کتاب راه نو.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۶). *تفسیر الکاشف*. ترجمه موسی دانش. قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موحد، فریناز و همکاران (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای معیارشناسی خردمندی در روایات اهل‌بیت با دستاوردهای روان‌شناختی. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۹ (۱۶)، ۵۷-۸۴.
- هنرمند، مرتضی و همکاران (۱۴۰۳). سازه خردمندی از منظر معارف اسلامی و روانشناسی. *اسلام و پژوهش‌های روانشناختی*، ۱۰ و ۱، ۳۳-۵۷.
- Asadi, S., Khorshidi, R., & Glück, J. (2019). Iranian children's knowledge about wisdom. *Cognitive Development*, 52, 100814.
- Assmann, A. (2019). Wholesome knowledge: Concepts of wisdom in a historical and cross-cultural perspective. in *Life-span development and behavior* (p. 187-224). Routledge.
- Baltes, P. B., & Staudinger, U. M. (2000). Wisdom: A metaheuristic (pragmatic) to orchestrate mind and virtue toward excellence. *American psychologist*, 55(1), 122-136.
- Dong, M., Weststrate, N. M., & Fournier, M. A. (2023). Thirty years of psychological wisdom research: What we know about the correlates of an ancient concept. *Perspectives on Psychological Science*, 18(4), 778-811.
- Dortaj, F., & Daneshpayeh, M. (2022). Iranian-Islamic Wisdom Scale (IIWS): Conceptualization, Development and Validation in Iranian Culture. *Iranian Evolutionary Educational Psychology Journal*, 4(4), 95-112.
- Grossmann I., Na J., Varnum M. E. W., Park D. C., Kitayama S., Nisbett R. E. (2010). Reasoning about social conflicts improves into old age. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 107, 7246-7250.
- Grossmann, I., & Kung, F. Y. H. (2019). Wisdom and culture. in D. Cohen & S. Kitayama (Eds.). *Handbook of cultural psychology* (2nd ed., p. 343-364). The Guilford Press.
- Jeste, D. V., & Lee, E. E. (2019). The emerging empirical science of wisdom: definition, measurement, neurobiology, longevity, and interventions. *Harvard review of psychiatry*, 27(3), 127-140.
- Krause, N., & Hayward, R. D. (2014). Religious involvement, practical wisdom, and self-rated health. *Journal of Aging and Health*, 26(4), 540-558.
- Sternberg, R. J. (1998). A balance theory of wisdom. *Review of General Psychology*, 2(4), 347-365.
- Sternberg, R. J. (2019). Race to Samarra: The critical importance of wisdom in the world today. in R. J. Sternberg & J. Glück (Eds.). *The Cambridge handbook of wisdom* (p. 3-9). Cambridge University Press.
- Wink, P., & Dillon, M. (2013). Religion, spirituality, and personal wisdom: A tale of two types. in *The scientific study of personal wisdom: From contemplative traditions to neuroscience* (p. 165-189). Dordrecht: Springer Netherlands.
- Yang S.-Y. (2008). A process view of wisdom. *Journal of Adult Development*, 15, 62-75.